ادامه از صفحه اول

حمایت از احزاب شعاری نباشد

به این ترتیب، ضرورت تشکیل احزاب، جدی گرفته می‌شود هرچند این راهکار به مذاق کسانی که به قدرت چسبیده بودند، خوش نمی‌آید اما عزم ملی، سبب عرفی‌شدن آن جمعیت‌ها در صحن سیاسی کشور می‌شود. روزنامه‌های وقت، همچون صوراسرافیل و مساوات، جرئت به خرج می‌دهند تا از تمرکز قدرت بنویسند و آن را نوعا فسادآور بخوانند زیرا بذرهای خودکامگی به بار می‌آورد؛ پس باید تلاش شود که در حد امکان، شمار بیشتری از مردم در حاکمیت کشور مشارکت کنند و این امر از طرق مشروعی چون تجزیه و تقسیم قدرت و کوتاه‌کردن مدت تصدّی مشاغل میسر می‌شود. مشارکتی جدی و عمومی، برای نظارت بر رفتار دولتمردان راه افتاده؛ این امر ضروری، مقتضای تأمین سلامت ملت و حق طبیعی آنان برای ایفای آزادی انتخاب است. در نشریات فرنگ هم به شکلی دیگر ضرورت وجودی تشکل‌های خودجوش تحلیل می‌شود؛ چون احزاب مستقل می‌توانند در ساخت قدرت سیاسی «تعدیل» ایجاد کنند و بنا به تعبیر اندیشمندانه، به این نیروها «چرخ‌دنده دموکراسی» گفته می‌شود. زیرا با ایفای کارکردهای مؤثر در عرصه سیاست و سرنوشت کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعادل قوای ملت-دولت بر عهده می‌گیرند. بخش مهمی از این نقش‌آفرینی، مرهون سازماندهی منسجم مالی احزاب خارج از قدرت حاکمه کشورهاست که بیشتر تحت عنوان کمک‌های مردمی از آن یاد می‌شود. اما متأسفانه در این سرزمین، یکی از آفت‌ها و نقاط آسیب‌پذیر، قاعده‌مندنبودن منابع و عملکرد مالی احزاب تصنعی است. آنها با استفاده از منابع مالی مبهم زیر عنوان کمک‌های مردمی، در ایام انتخابات سعی می‌کنند آسیب‌های ساختاری حزبشان را مخفی کنند. انجام هزینه‌های سرسام‌آور توسط برخی از نامزدهای انتخاباتی و احزاب پوشالی، گاه نتیجه انتخابات را به طرز شگفت‌آوری زیر تأثیر خود قرار می‌دهد، بنابراین با توجه به اهمیت منابع مالی و لازمه شفافیت آن، ضروری است که احزاب واقعی سامان‌دهی شوند. آثار خوبی هم درباره شیوه‌نامه مالی در جهان به طبع رسیده که می‌توان به کتاب «تأمین هزینه‌های مالی احزاب سیاسی و رقابت‌های انتخاباتی» تألیف «رجینالد آستین» و «ماجا تجرنستروم» اشاره کرد. شنیده شده که لوح pdf این کتاب، در اختیار نمایندگان دوره‌های پیشین مجلس قرار گرفته است. البته این خبر نمی‌تواند دلگرم‌کننده باشد چون هیچ‌گونه اقدامی برای عینی‌کردن آن قوانین در جامعه دیده نشده است. همچنین از سوی پژوهشگران وطنی، تألیف ارزشمندی به بازار آمد که در همین باره می‌توانست اثرگذار باشد؛ مرداد ماه سال ۱۳۹۴ خورشیدی کتابی با عنوان «راهبرد تأمین منابع مالی احزاب سیاسی در ایران» به چاپ رسید. نویسندگان آن، حسینعلی تقی‌تهرانی و محمد نژاد ایران، به شیوه علمی و دقیقی به مشکل مالی احزاب، توجه نشان دادند و نظرات راهگشایی در این باره ارائه کردند که متأسفانه در فاصله پنج‌ساله چاپ کتاب از طرف انتشارات تیسا تاکنون هیچ‌گونه توجهی از طرف مسئولان امر نسبت به این تحقیق دیده نشده در حالی که می‌شد در روند تشکیل احزاب واقعی، پشتیبانی تئوریکی شوند و آن را عملیاتی کنند. در این کتاب به کاربردهای ارزشمندی پرداخته شده است. به طور نمونه «یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت احزاب سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته، توانایی مالی آنها در تأمین مخارج و هزینه‌های خود برای حضور در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی است. در کشور ما نیز احزاب با وجود سابقه طولانی حضور در عرصه سیاست و با وجود سه دهه حاکمیت نظام مردم‌سالاری و فراهم‌شدن امکان حضور سالم احزاب در عرصه سیاست، همچنان با مشکلات مالی شدید روبه‌رو هستند و امکان فعالیت گسترده را در سطح کشور ندارند. بنابراین استفاده از تجربه حزبی سایر جوامع، به ویژه کشورهای توسعه‌یافته و دموکراتیک، می‌تواند برای حل مشکل احزاب سیاسی ایران نیز سرمشق باشد و از تجربه کشورهایی که دارای نظام حزبی کارا هستند می‌توان سود برد تا دموکراسی باثباتی شکل گیرد». یادآور می‌شود که برخی کشورهای توسعه‌یافته، به شیوه‌ای رفتار می‌کنند که نشان می‌دهد مردم پاسخ‌های عینی از این سازوکار حزبی گرفته‌اند و از شیوه تقسیم قدرت بر اساس خواست ملی رضایت دارند؛ در این روش، دستگاه حاکمه به نسبت اعتماد عمومی و شمار اعضای حزب در جامعه، به آنها مقرری پرداخت می‌کند. این پرداخت‌های منظم بر اساس شاخصه‌های شفاف و دقیق، بهترین و سالم‌ترین شیوه برای حمایت از احزاب به شمار می‌رود. زیرا این کمک‌های مالی به گروه‌های سیاسی می‌تواند آنها را توانمند و کارا کند. جان کلام آنکه در یک جامعه مردم‌سالار دینی، منافع و آرای فرد همچون حقوق جمعی، محترم است و این حزب است که می‌تواند شرایط سخت زندگی او را از نزدیک دریابد و سخنگوی او شود. در جامعه حزبی، هدف دادگرانه، حفاظت از منافع شخص در جوار شهروندانی چون خود اوست؛ بنابراین لازم است که فرد بر همه تصمیمات، نظارت سیستمی پیدا کند. به عبارت روشن در زندگی سیاسی ـ اجتماعی خودش، به دور از بی‌تفاوتی، میل به مشارکت پیدا کند و سرنوشت سیاسی خود را با کنشگری خودجوش رقم بزند.

ادامه در صفحه ۴

چرا انتخابات سال ۸۴ آینده سیاسی هاشمی و اصلاح‌طلبان را متحول کرد؟

بزنگاه تغییر سرنوشت هاشمی و اصلاحات

هاشمی‌رفسنجانی: شکایتم را به خدا می‌برم / چمران: با نامزدی احمدی‌نژاد در انتخابات مخالف بودم

مهرشاد ایمانی: انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ نقطه عطف مهمی برای اصلاح‌طلبان به شمار می‌رود؛ بزنگاهی که آنها نتوانستند با اتخاذ سیاستی جامع، بر بال سرمایه اجتماعی خود بنشینند و اصلاحات را در سیاست رسمی ادامه دهند. برگزارکننده انتخابات دولت اصلاحات بود. آرای نامزدهای اصلاح‌طلب یعنی کروبی، معین و مهرعلیزاده، صرف‌نظر از آرای هاشمی (آن زمان هاشمی اصلاح‌طلب شناخته نمی‌شد)، به قدری بود که اگر اجماع رخ می‌داد، حتما یکی از آنها به دور دوم می‌رفت و در نهایت رقیب یعنی احمدی‌نژاد آن‌قدر ناشناخته بود که پیروزی بر او اصلا سخت نباشد؛ اما به گواه تاریخ و اقرار تمام فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبان در آن دوره به خود باختند تا سرنوشت سیاسی خودشان و حتی کشور تغییر کند.

اصلاح‌طلبان تا آن زمان هم هنوز هاشمی‌رفسنجانی را به‌عنوان یک نیروی هم‌جهت با خود به رسمیت نمی‌شناختند و حتی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال نیز تا زمانی که امید به نامزدهای خود داشتند، هیچ حمایتی از هاشمی نکردند؛ هرچند پربیراه نبود اگر گزینه اصلی جبهه اصلاحات مهدی کروبی می‌شد و مهرعلیزاده و معین به نفع او کنار می‌رفتند؛ کروبی اگر در دور اول پیروز نمی‌شد، می‌توانست به جای احمدی‌نژاد با هاشمی رقابت کند و بر اساس آمار مشخص است اگر چنین می‌شد، کروبی در مقابل هاشمی پیروز میدان می‌شد؛ اما به هر روی اصلاح‌طلبان علاوه بر آنکه با نامزدهای متعدد برای یک وزن‌کشی سیاسی وارد صحنه انتخابات شده بودند، می‌کوشیدند با نفی هاشمی، آرا را به نفع خود جذب کنند. ناگفته نماند که هاشمی هم تمایلی به انتصاب به اصلاح‌طلبان نداشت و گفته بود: «اگر فرد شایسته‌ای در عرصه حضور نیابد، وارد انتخابات خواهم شد» که این سخن به مذاق اصلاح‌طلبان خوش نیامد و با نامه کروبی خطاب به هاشمی مشخص شد اختلاف‌ها کاملا علنی و محسوس است. او با لحنی گلایه‌مند نوشته بود: «اگر روند تحقیر سایر کاندیداها و گروه‌های سیاسی ادامه یابد، چاره‌ای جز طرح ناگفته‌های دیگر درباره عملکرد اجرائی گذشته شما نخواهد بود. بیانیه شما گویای آن است که ظاهرا جنابعالی به این نتیجه رسیده‌اید که تنها فرد قادر به رفع نگرانی‌ها خود حضرتعالی هستید؛ درحالی‌که معتقدم بذر بسیاری از نگرانی‌ها در دولت جنابعالی کاشته شد و اکنون چیزی را درو می‌کنیم که خود حضرتعالی سال‌ها شاهد کاشته‌شدن و رویدن آن بودید و متأسفانه در برابر آن سکوت یا رفتار تأییدآمیز داشتید». کروبی در این نامه با اشاره به رد صلاحیت تعدادی از «نیروهای انقلابی» در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی آورده بود: «آیا در جریان هستید که بر اساس اخبار موجود، جرم اصلی همسر شهید رجایی که منجر به رد صلاحیت او شد، ادعای اهانت به جنابعالی و خانواده محترم‌تان بود؟». همین دست اختلاف‌ها که به نوعی ادامه اختلاف‌های نیروهای چپ با هاشمی در دهه ۷۰ بود، باعث شد اصلاح‌طلبان و هاشمی مسیر مستقل خود را بروند تا آنجا که اصلاح‌طلبان از سر استیصال و در دوگانه هاشمی-احمدی‌نژاد، هاشمی را برگزینند که البته دیگر دیر بود و بدنه اجتماعی این چرخش ناگهانی را نپذیرفت و شد آنچه برای همه مردم ایران بسیار عجیب بود؛ هاشمی انتخابات را واگذار کرد و احمدی‌نژاد که تا آن زمان شناسنامه خاصی در عالم سیاست نداشت، فاتح انتخابات و رئیس پاستور شد؛ فردی که به گفته شخصیتی اصولگرا مانند مهدی چمران، تصور نمی‌شد فردی مانند او رئیس‌جمهور ایران شود. چمران چندی‌پیش در گفت‌وگو با سایت «فردا» گفته بود: «من سال‌ها در حوزه معماری و شهرسازی کار کرده بودم و با این عرصه آشنا بودم و سال‌ها هم بر طرح جامع تهران کار کرده‌ام. به همین دلیل ارتباط نزدیکی با آقای احمدی‌نژاد برقرار شد. چندی‌قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ یعنی در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۸۳، بنا شد با هم به راهپیمایی برویم. نزدیک میدان انقلاب جایی قرار گذاشتیم و با هم به سمت میدان انقلاب حرکت کردیم. مردم که ما را می‌دیدند، به سلام و علیک می‌پرداختند و به آقای احمدی‌نژاد می‌گفتند که خودت بیا و برای ریاست‌جمهوری نامزد بشو. من در آن زمان این حرف را کاملا معمولی می‌دانستم که حالا عده‌ای از شهردار چنین درخواستی را می‌کنند؛ اما بعدش احساس کردم این موضوع جدی شده است. آقای احمدی‌نژاد در فروردین سال ۸۴ به من گفت می‌خواهم نامزد ریاست‌جمهوری شوم. من با نامزدی او در انتخابات ریاست‌جمهوری مخالف بودم. آقای دکتر شیبانی که در شورای شهر بزرگ ما بود نیز به‌شدت مخالف بود و می‌گفت وقتی در مسئولیت شهرداری خوب کار می‌کنی، چه دلیلی دارد به ریاست‌جمهوری فکر کنی؟ از سوی دیگر، من گفتم امکان رأی‌آوری با وجود شخصیت‌های دیگر و فعالیت جناح‌های مختلف بسیار سخت است؛ اما آقای احمدی‌نژاد اصرار داشت که می‌خواهم نامزد شوم که در نهایت ما هم تصمیم گرفتیم همکاری کنیم». حالا و بعد از گذشت ۱۶ سال از انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری، سیدحسین مرعشی در گفت‌وگویی به ذکر روایتی تازه از شب انتخابات در دور دوم پرداخته و از واکنش هاشمی‌رفسنجانی به باختش در مقابل احمدی‌نژاد گفته است. روایت مرعشی این‌گونه است: «در سال ۸۴ که مرحله دوم انتخابات بود، ساعت ۱۰ونیم شب آقای هاشمی به من زنگ زدند و گفتند از آیت‌الله خامنه‌ای پیامی به من رسیده که جشن نگیرید و من به حاج آقا گفتم که جشن را قرار است رقیب ما بگیرد، چون ما انتخابات را واگذار کردیم. آقای هاشمی به من گفتند من دارم می‌خوابم، نتیجه که نهایی شد من را بیدار نکنید و فردا صبح به من بگویید و ایشان واقعا ساعت ۱۰ونیم شب خوابیدند و من شش صبح از آقای کرباسچی و آقای محمد هاشمی خواهش کردم به خانه بروند و به ایشان بگویند و ایشان ساعت هشت در جلسه مجمع حضور پیدا کردند. شخصیتی در سطح آقای هاشمی به احمدی‌نژاد باخته و این شوک بزرگی به‌طور طبیعی است، ولی به آقای هاشمی شوک وارد نمی‌شد و هیچ وقت هم بعد از این تصمیم نگرفتند که در انتخابات شرکت نکنند». گرچه روایت مرعشی رخ داده است و هاشمی در پی باخت از احمدی‌نژاد یک روز هم مسئولیتش در مجمع تشخیص را رها نکرد و همان فردایش در مجمع حاضر شد، اما می‌شد دریافت که از این باخت و البته هجمه‌هایی که علیه‌اش انجام شد، به‌شدت ناراضی بود. او در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مردم نوشت شکایت خود را به خدا می‌برم: «بنا ندارم که در مورد انتخابات، شکایت به داورانی که نشان دادند نمی‌خواهند یا نمی‌توانند کاری بکنند، ببرم و شکایت خود را فقط همانند مورد قبل در دادگاه عدل الهی مطرح می‌کنم؛ خدایی که با توکل بر او و برای جلب رضایتش به صحنه آمدم و با او معامله کردم و می‌دانم در انتقام الهی اگر کسی معاقب شود، قطعا مردم، انقلاب اسلامی و ایران نخواهند بود و فقط مجرمان واقعی مجازات می‌شوند. آنها که برای تضعیف رقیب، از راه تضعیف انقلاب وارد شدند چون می‌دانستند او در هر حالت از انقلاب دفاع می‌کند و ابایی از برعهده‌گرفتن مسئولیت‌ها ندارد و آنها که به گونه‌ای بی‌سابقه با هزینه‌های ده‌ها میلیاردی از بیت‌المال، اینجانب و بستگانم را ظالمانه تخریب کردند و آنها که با استفاده از امکانات نظام به صورت سازمان‌دهی‌شده و نامشروع در انتخابات دخالت کردند. تردیدی ندارم که جزای چنین ظلمی به کشور و مردم و من جز خسران دنیا و آخرت نخواهد بود. دائما از خداوند مهربان می‌خواهم که این انقلاب و این کشور و مردم را از شر دشمنان و فرصت‌طلبان بی‌منطق و بی‌ایمان حفظ نماید و راه امام راحل و ثمره مجاهدات شهدا، جانبازان، مفقودان، آزادگان و خانواده‌های گران‌قدرشان را پاینده دارد. لازم می‌دانم از کسانی که در انتخابات در حمایت از اینجانب متحمل زحماتی شدند و بیش از ۱۰ میلیون از مردمی که به رغم تخریب‌های کوه‌شکن با رأی خود به من ابراز اعتماد کردند، تشکر نمایم». هاشمی در آن سال انتخابات را باخت تا هم او و هم اصلاح‌طلبان در شرایط سختی قرار بگیرند؛ شرایطی که از نظر فضای سیاسی برای هر دو آنها سخت شد؛ از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ که متعاقبش انزوای کامل چهارساله ایشان را رقم زد تا سال ۹۲ که دیگر هاشمی حتی صلاحیتش در انتخابات هم تأیید نشد تا حالا که دایره صلاحیت‌دارها آن‌قدر محدود شده است که علاوه بر همه نامزدهای اصلی اصلاح‌طلبان، فرزند هاشمی و حتی اصولگرایانی که تنها در برخی زمینه‌ها هم‌نظر اصلاح‌طلبان‌اند نیز ردصلاحیت شدند. با این اوصاف، به دقت می‌توان گفت انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ بزنگاهی است که بیشترین تأثیر را بر سرنوشت هاشمی و اصلاح‌طلبان گذاشت.

دوازدهمین امام‌جمعه هم کنار رفت

۱۲ امام‌جمعه در چهار سال گذشته استعفا داده‌اند؛ ۱۰ نفر فقط در دو سال و دو نفر سال گذشته و امسال. با این روند نسلی از ائمه جمعه جایگزین نسل جدیدتر شده‌اند. دلایل استعفا اگرچه متفاوت بوده، اما یکی از مهم‌ترین آنها بحث جوان‌گرایی است که از سوی شورای سیاست‌گذاران ائمه جمعه مطرح شده بود. برخی مسائل سیاسی و حواشی هم البته درباره بعضی استعفاها پررنگ و مطرح بوده است. دیروز در آخرین مورد، امام‌جمعه سمنان استعفا داد و لازم دید که بگوید تاکنون نیز با هیچ استانداری در سال‌های گذشته درگیری و اصطکاک پیدا نکرده‌ام. آیت‌الله سیدمحمد شاهچراغی در دیدار با استاندار، معاونان و فرمانداران شهرستان‌های استان در دفتر کارش گفت: در متن استعفای این‌جانب که به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ارسال کرده‌ام، ذکر کردم که در ۲۰ سال اخیر که افتخار نمایندگی شما را در استان سمنان بر عهده داشتم، همواره بر سه محور و اصل مهم «رضایت مردم، وحدت و امر ولایت و رهبری» تأکید کرده و اهتمام داشته‌ام. او توضیح بیشتری درباره دلیل استعفای خودش ذکر نکرده است. خرداد سال گذشته هم امام‌جمعه ساوه استعفا داد. امام‌جمعه این شهر در خطبه‌های نمازجمعه شش دلیل عنوان کرده و گفته بود ناچار شدم برای حفظ وحدت و پرهیز از آسیب‌دیدن ساوه در نتیجه اختلاف بین برخی مسئولان و امام‌جمعه، استعفا بدهم؛ البته هنوز استعفای بنده را بررسی و قبول نکرده‌اند و هرچه شد به آن راضی هستم. او گفته بود: «عده‌ای از هم‌لباسی‌های خودم از همان ماه اول فعالیتم در ساوه شروع کردند به گزارش‌نویسی علیه بنده و عده‌ای از دوونیم سال پیش این کار را شروع کردند. همان کسانی که روزی از حامیان بنده بودند، آنها این رویه را آغاز کردند به این دلیل که می‌خواستند سخنگو و بلندگوی آنان باشم و هرچه آنها خواستند عملی کنم و بنده قبول نکردم. آن‌قدر بداخلاقی کردند که کلاس نهج‌البلاغه بنده در دارالتحفیظ را تعطیل کردند، پس به ناچار آن را در دفترم برگزار کردم. مدت‌هاست این بداخلاقی‌ها ادامه دارد و من تحمل کردم. او گفته بود در انتخابات {مجلس} هم از بنده خواستند از شخص خاصی حمایت کنم، ولی گفتم بنده امام‌جمعه هستم و متعلق به همه مردم، از هیچ‌کس حمایت نمی‌کنم. پیش از آن اما دومینوی استعفای ائمه جمعه در ۹۶ تا ۹۸ به عدد ۱۰ رسیده بود. آیت‌الله نعیم‌آبادی، امام‌جمعه بندرعباس، پس از ۲۹ سال از امامت جمعه بندرعباس کنار رفت. او حتی در نامه استعفای خود خواستار کناره‌گیری ائمه جماعات مسن شده بود تا تریبون به دست جوان‌ترها داده شود. بهمن ۹۷ بود که آیت‌الله محمود موسوی‌جزایری، امام‌جمعه خوزستان، بعد از جنجال سفرش به انگلستان برای مداوای بیماری، نامه استعفایش را امضا و به علت کهولت سن و بیماری از این سمت کناره‌گیری کرد. چند روز بعد از استعفای امام‌جمعه خوزستان، امام‌جمعه زاهدان هم علت استعفایش را تفکر زیبای مقام معظم رهبری مبنی بر جوان‌گرایی عنوان کرد و از این سمت کنار نشست. مرداد ۹۶ سیدیحیی جعفری، امام‌جمعه کرمان و علی رضایی، امام‌جمعه بیرجند، به فاصله چند روز استعفا دادند. البته پیش از آن نیز در خرداد سال ۹۶، آیت‌الله مجتهدشبستری، نماینده سابق ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام‌جمعه تبریز، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و از اعضای ارشد جامعه روحانیت مبارز، به‌دلیل بیماری جای خود را به «حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم» داد.

استعفای یکباره آیت‌الله جنتی

در این میان جنجالی‌ترین استعفا مربوط به استعفای آیت‌الله جنتی از نماز جمعه تهران بود که بعد از ۲۵ سال روزهای آخر سال ۹۶ نامه استعفایش را تقدیم رهبری کرد و با این سمت خداحافظی کرد. ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ هم امام‌جمعه شیراز در نامه‌ای به مقام معظم رهبری استعفای خود را اعلام کرد. امام‌جمعه شیراز به دلیل کسالت و بیماری چندین‌بار در بیمارستان بستری شده بود. او در بخشی از نامه‌ای که خطاب به مقام معظم رهبری نوشته، عنوان کرده بود: «فاستقم کما امرت باعث شد در این ۴۰ سال ضمن احیای حوزه‌های علمیه در دو استان محل مأموریت (فارس و بوشهر) و منسجم‌نمودن امور طلاب و اساتید و روحانیت معظم مناطق، تلاش برای کسب رضای خالق، خدمت به مخلوق و عمل به تکلیف به چیزی حتی بیماری شدید، توجهی ننمایم؛ لیکن اینک ناخوشی و ضعف شدید جسمانی بر من غالب گشته و مانع از انجام فرائض محوله شده است، فلذا از آن رهبر معظم کسب اجازه و رد امانت دارم». خرداد ۹۷ هم حجت‌الاسلام جعفر محسن‌زاده، امام‌جمعه نظرآباد استعفا داد. مهرماه همان سال نیز حجت‌الاسلام محمدنقی لطفی، امام‌جمعه ایلام و نماینده ولی فقیه در استان در نامه به مقام معظم رهبری استعفای خود را اعلام کرد. این استعفا مدتی بعد از جنجال‌ها بر سر پرادو سوارشدن این امام‌جمعه صورت گرفت. البته لطفی برخلاف دیگر ائمه جمعه که علت استعفای خود را کهولت سن بیان می‌کردند، علت را خسته‌شدن از فضاسازی‌ها دانست. او گفت: «واقعا خسته شده بودم. علت خستگی از جوسازی‌هایی بود که علیه بنده در این مسئولیت مطرح کرده بودند که باعث شد از این سمت استعفا دهم مبادا در جهت حواشی و ایجاد جوسازی‌ها علیه بنده، خدشه‌ای به جایگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی وارد شود؛ نظیر آن مسئله خودرو که همه آن دروغی بود که در فضای مجازی درست کردند».

رئیس‌جمهور به خاطر قطع برق عذرخواهی کرد

پوزش‌های کابینه

علی ایوبی: فرهنگ «مسئولیت‌پذیری» و «عذرخواهی» چنان در آداب ایرانیان کم و غریب است که هر بار مسئولی از چنین واژه‌ای استفاده می‌کند، توجه‌ها را به سمت خود می‌برد. دولت دوازدهم در حالی تا یک ماه دیگر به کار خود پایان می‌دهد که علاوه بر چالش‌های اقتصادی و عدم کنترل پاندمی کرونا، این روزها با کمبود برق نیز مواجه شده و مردم سراسر کشور گرمای تابستان را بدون وسایل خنک‌کننده می‌گذرانند. اوضاع چنان سخت و طاقت‌فرسا شده که رئیس‌جمهور و اعضای دولت را واداشت که از مردم عذرخواهی کنند. حسن روحانی روز گذشته در جلسه افتتاح چند طرح ملی به مشکل کم‌برقی و قطعی برق در کشور اشاره کرد و گفت هرچند نسبت به دولت قبل سالانه ۸۰۰ مگاوات ظرفیت تولید برق را افزایش داده‌اند؛ اما به خاطر گرمای شدید و خشکسالی دچار مشکل هستیم. او همچنین اعلام کرد که نیروگاه بوشهر به خاطر نیاز به تعمیرات از مدار خارج شده و همین رنج و سختی فراوانی برای مردم ایجاد کرده است. روحانی گفت که به معاون اول خود دستور داده تا مشکلات و راه‌حل‌های این معضل را شناسایی و برطرف کنند. رئیس‌جمهور در نهایت گفت: «در خاموشی‌ها، مهم این است که مردم از ساعات آن مطلع باشند تا بتوانند پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کنند. البته نسبت به مردم عزیزی که در این روزها دچار مشکل و رنج شدند، عذرخواهی می‌کنم و خواهش می‌کنم مقداری در مصرف برق صرفه‌جویی کنند. وزارت نیرو در این زمینه مقصر نیست؛ اما باید برای مردم توضیح دهد که مشکل چه بوده است». اما مشکل تنها قطعی برق نیست. به علت خاموشی‌ها، سیستم‌های مخابرات نیز دچار مشکل شده‌اند که در سیزدهم تیر وزیر جوان ارتباطات نیز به این دلیل عذرخواهی کرد. محمدجواد آذری‌جهرمی در پاسخ به یکی از کاربران که خواسته بود شرکت‌ها برای نبود آنتن در زمان قطع برق پاسخ‌گو باشند، نوشته بود: «همه باید پاسخ‌گو باشند. باتری دکل‌های تلفن همراه، برای دو ساعت پاسخ‌گوی قطع برق هستند؛ پس از شارژ کامل، نیازمند هشت ساعت اتصال به شارژر هستند تا به طور کامل شارژ شوند. متأسفانه در برخی نواحی، هشت ساعت برق مستمر شهری در دسترس نیست. در تلاش برای بهبودیم و از مشکل به‌وجودآمده پوزش می‌طلبیم». اوایل خرداد ماه نیز که هوا تازه رو به گرمی می‌رفت و مشکلات کم‌کم خود را نشان می‌داد، رضا اردکانیان، وزیر نیرو، به خاطر مشکلات ایجادشده برای مردم به علت قطع برق عذرخواهی کرد و گفت تلاش می‌شود قطعی برق کم و کمتر شود؛ اتفاقی که دقیقا برعکس آن رخ داد و قطعی برق بیشتر و بیشتر شد.

روند رو به رشد عذرخواهی

با نزدیک‌شدن به پایان دولت، گویی روند عذرخواهی در دولت نیز سرعت پیدا کرده است. اوایل هفته بود که رئیس دفتر رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با ایرنا، به ادعای یکی از نمایندگان مجلس که مدعی شده بود دولت کشور را رها کرده، گفته بود: «بارها گفته‌ام که دولت در این شرایط بسیار سخت جنگ اقتصادی تلاش زیادی می‌کند تا کشور را اداره کند و کمبودی نباشد. البته گرانی وجود دارد و ما از مردم بارها عذر خواستیم و باز هم عذرخواهی می‌کنیم». اما تلخ‌ترین حادثه این مدت، مرگ دو خبرنگار بر اثر واژگونی اتوبوس بود که هرچند سخنگوی دولت به این دلیل چند باری عذر خواست؛ اما رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که سازمان تحت نظر او در این زمینه مقصر بود، نه‌تنها عذرخواهی نکرد؛ بلکه طلبکار هم شد! هفتم تیر ماه، چند روز بعد از این حادثه، جمعی از مسئولان دولتی مانند سخنگوی دولت و وزیر فرهنگ به منزل «مهشاد کریمی» و «ریحانه یاسینی» خبرنگاران درگذشته رفتند. علی ربیعی هم در پاسخ به انتقاد خانواده کریمی از رفتار عیسی کلانتری وعده داد که در نشست خبری خود و از طرف دولت عذرخواهی کند. ربیعی فردای آن روز با ابراز تأسف عمیق برای ازدست‌دادن فرزندان ایران در دو حادثه واژگونی اتوبوس خبرنگاران و تصادف اتوبوس سرباز معلم‌ها، به خانواده‌های آنان تسلیت گفت و اعلام کرد از هرگونه نقصان پیش‌آمده پوزش می‌خواهم.

آن کسی که عذر نخواست!

با این حال رئیس سازمان محیط زیست که با طرز نشستن خود در شب حادثه، خشم همگان را برانگیخته بود، در گفت‌وگو با «امتداد» گفت: «این حرف‌های مزخرف را بعضی همکاران شما درمی‌آورند. نحوه نشستن من مثلا چطور بود؟ نحوه نشستن همیشگی من، همین‌طور است. چه عذرخواهی؟ برای چه؟ چه اتفاقی افتاده که عذرخواهی کنیم؟». این سخنان چنان برای خبرنگاران گران آمد که در حاشیه جلسه هیئت دولت، از رئیس دفتر حسن روحانی خواستند دراین‌باره توضیح دهد؛ اما واعظی تلویحا از کلانتری دفاع کرد و گفت: «از شخص رئیس‌جمهوری تا مسئولان اجرائی کشور همه همدردی کردند. در نوشته‌های‌مان عذرخواهی کردیم و آقای کلانتری هم هر کاری می‌توانست انجام داد. هرکسی تأسف خود را یک جوری بیان می‌کند یا با گفتار یا با رفتار خود. من خودم چند بار با آقای کلانتری صحبت کردم و دیدم از کسان دیگر بیشتر ناراحت بود. ممکن است برخی ناراحتی خود را به زبان بیاورند و برخی درون خود بریزند!».

ادامه در صفحه ۵

روزنه

با دستور استاندار تهران تجمع بالای ۱۵ نفر ممنوع شد

● **آفتاب‌نیوز:** استاندار تهران با بیان اینکه هر تجمع بالای ۱۵ نفر که در استان تهران صورت بگیرد، غیرقانونی است و به‌شدت برخورد می‌کنیم، گفت: هر دستگاه اجرائی که مصوبه ۷۰درصدی دورکاری کارکنان را رعایت نکند، نقض قانون کرده است. انوشیروان محسنی‌بندپی، استاندار تهران اظهار کرد: هیچ عقل و منطقی قبول نمی‌کند که مدیریت کرونا در استان ضعیف است؛ چراکه آمارهای رعایت پروتکل‌های بهداشتی تهران چیز دیگری می‌گوید. استاندار تهران درباره اطلاع شهروندان از وضعیت تخت‌های خالی، تأکید کرد: شهروندان تهرانی حتما با تماس با سامانه ۶۰۷۰ از راهنمایی‌های کارشناسان این حوزه بهره بگیرند.

پیشنهادهای صادقی به رئیس‌جمهور منتخب

● **شرق:** پیرو درخواست سیدابراهیم رئیسی برای ارائه نظر و پیشنهادها، محمود صادقی پیشنهادهای خود برای تغییر الگوی توسعه اقتصادی بر مبنای حفظ محیط زیست را به دفتر رئیس‌جمهور منتخب ارائه کرد. در بخشی از متن این پیشنهادها آمده است: «افزایش تنوع اقتصادی و سهم اقتصاد سبز و کاهش بار توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی بر محیط زیست و منابع طبیعی؛ درحال‌حاضر اقتصاد متکی به خام‌فروشی نفت و گاز علاوه بر فرصت‌سوزی‌های اقتصادی، آثار جبران‌ناپذیری بر محیط زیست کشور و سلامت مردم وارد می‌کند. افزایش تنوع اقتصادی با کاهش خام‌فروشی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و خدمات سبز و غیرمخرب محیط‌زیستی ازجمله سیاست‌های دولت پاسخ‌گو خواهد بود. فقدان تنوع اقتصادی و مدیریت ضعیف اقتصاد باعث شده که اشتغال‌زایی با اتکا بر سهل‌الوصول‌ترین راهکارها (مثلا در حوزه معادن و استخراج منابع طبیعی، کشاورزی و ساخت‌وساز) صورت بگیرد که نتیجه آن تخریب رو به افزایش و جبران‌ناپذیر محیط زیست و تهدید امنیت شغلی و اقتصادی شاغلان در بخش‌های اقتصادی بیش از حد متکی به منابع طبیعی است. سیاست‌های اشتباه اقتصادی و مدیریتی در بخش کشاورزی و آب، شرایطی را رقم زده است که معیشت کشاورزان و جوامع روستایی را به‌شدت تهدید می‌کند. مهاجرت به شهرها، حاشیه‌نشینی، نابرابری‌های اقتصادی در کنار ازبین‌رفتن منابع آبی کشور و ناکارآمدی اقتصادی بخش کشاورزی ازجمله نتایج اجرای این سیاست‌ها در سال‌های گذشته است». صادقی در ادامه آورده است: «فقدان زیرساخت‌های مناسب فنی و سیاستی، بهره‌وری پایین در بخش کشاورزی و الگوی نامناسب کشت در کشور عملا ایران را در تحقق آرمان خودکفایی غذایی ناموفق کرده است. «دولت پاسخ‌گو» با اشراف به ظرفیت زیست‌بوم کشور و شرایط آب‌وهوایی بر این باور است که ایران می‌تواند با آب کمتر و سطح زیر کشت کمتر، حجم تولید محصولات غذایی راهبردی را در راستای تأمین امنیت غذایی بالا ببرد». او با بیان «افزایش شفافیت، عدالت محیط‌زیستی و مشارکت مردم و جوامع محلی در مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی کشور»؛ ادامه داده است: فقدان شفافیت درباره موجودی و سیستم حسابرسی و تخصیص منابع طبیعی (به‌عنوان مثال منابع آبی) به همراه مدیریت سلسله‌مراتبی و دستوری آب و محیط زیست در کشور که متکی بر تصمیم‌سازان مرکزنشین است، هم کارآمدی مدیریت آب و محیط زیست در کشور را پایین آورده و هم ازجمله عوامل اصلی تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های محیط‌زیستی و افزایش نارضایتی مردم و دامن‌زدن به اختلافات و تنش‌های آبی و محیط‌زیستی (مثلا تنش‌های بین‌استانی) در کشور است».

دستور فرمانده ارتش برای تسریع امدادرسانی به مردم

ارتش به کمک مردم سیستان‌وبلوچستان رفت

● **شرق:** بحران خشکسالی و قطعی برق و گسترش یکباره کرونا زندگی مردم سیستان‌وبلوچستان را با شرایط سختی مواجه کرده است؛ ازاین‌رو در پی خشکسالی اخیر و شروع موج پنجم کرونا در کشور به‌ویژه مشکل کم‌آبی استان‌های جنوب شرقی، امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، فرمانده کل ارتش، به امیر سرتیپ حیدری، فرمانده میدانی مبارزه با کرونا در ارتش، دستور داد در امدادرسانی به خواهران و برادران عزیز سیستان‌وبلوچستان به‌ویژه در تأمین نیاز آب، شتاب کنند. پیش‌ازاین یگان‌های ارتش در حوادث و مشکلات پیش‌آمده برای این منطقه با احداث بیمارستان‌های سیار صحرایی، کمک‌رسانی در سیل و دیگر حوادث، در خدمت مردم شریف استان بوده‌اند که با این دستور، اقدامات تکمیلی و ویژه‌ای برای کمک به مردم غیور و خونگرم استان شکل خواهد گرفت. فرمانده نیروی زمینی و فرمانده